

با علیزاده در بارگاه علی (ع)

با «علی زاده» سفر آغاز شد
می گشاییم سوی بغداد یک دری
این دل از شوقِ امامین شاد شد
می رود دنبال یک فریاد رسی!!
می زنند او را به آتش یا به آب!
دارد هر دم بر دلش انبارِ خون!
می دهند بر زائران زنگِ خطر!
در پی درمان و امداد می رویم
شهد شیرینِ شهادت با صفاست
مَرکَبِ خود با شجاعت پی کنیم
واردِ جنّت شدیم و بوسستان
با «امامین» می نمایم گفتگو
«مطببخ» و «گاراژ» را سر می زنیم
جستجو در کارِ آنان می کنیم
این دل از عشقِ علی(ع) بی تاب شد
می برم بر آسمان دستِ نیاز
در قنوتم با دعایِ عام و خاص
قسمتم کردی زیارت هر زمان
گه مدیر و گه امین و بازرس
تا کنم شکرِ سفرها را بیان
پیشِ مولامان حسین بن علی(ع) «
می فرستیم بر امام خود سلام
شرح حال زائرین داریم به یاد
می نمایم مشکلِ مرزی بیان
در نشست اینگونه فریاد کرده اند
در تبعیض یک بلائی جان شده
بعد از آن هم انفرادی می روند

بالِ پروازی «ماهان» باز شد
از فرودگاهِ امام با «اکبری»
چونکه مقصد ابتدا بغداد شد
تا شنیده نامِ بغداد هر کسی
پسایتختی را که دارد التهاب
از جفای هر تبه کارانِ دون
از رسانه می شنویم دائم خبر
با چنین اوضاع به بغداد می رویم
چون که مرگ هر کسی دستِ خداست
با علی زاده مسیرها طی کنیم
رفته ایم در «کاظمین» با دوستان
می نشینم در کنار و روبه‌رو
دفترِ شمس و حج در می زنیم
گفتگویی با «مدیران» می کنیم
کاظمین «قصرش» برای خواب شد
می رویم سوی «نجف» بعد نماز
می کنم بر خالقم حمد و سپاس
«ای خدا شکر تو دارد این زبان
کرده ای این بنده را فریادرس
واقفم در من نمی‌گنجد زبان
هدیه کردی جمع ما را بر ولی
تا رسیدیم در نجف صحنِ امام
در نجف با بررسی های زیاد
مُرشدین و مباحثینِ کاروان
نُخبگان همواره بیداد کرده اند
«مشکلِ مرزی که بی درمان شده
چون عراقی سوی وادی می روند

هندی و افغان که از راه می رسد
زائر دل باختۀ کرب و بلا
در مسیر رفت و در برگشت خود
بوالعجب! این مشکلات جدی شده
کربلا هم جلساتی داشتیم
هم «جرش» هم «شرکت المصطفی»
در «صفد» دیدیم رضای زائران
«رافدین» و «طف» و «اطیاب» دیده‌ایم
شرکت «هیثم»، «جنوب» و «المنار»
هر کدام در این محل شرکت نمود
از میان مجریان و خادمان
«ما سزاوار جریمه نیستیم
دوم آنکه مبلغ انجام کار
بعد از آن آماده شد پرواز ما
مقصد بغداد را طی کرده ایم
در دمشق هم با مدیر و رابطین
رفته است هیئت به دیدار سفیر
چون علی زاده بُود اَلسابقون
حج و عمره، عتبات ادغام شد
بر «لیالی» او برادر می شود
گفته‌ایم این نکته‌ها را با سفیر
ای صبا، ای شاعر پُر جنب و جوش
گر چه باشی در سفر زبر و زرنگ
«هر کسی بر زائران یاری کند

بعد از آن نوبت به شمس می رسد
در ورود و در خروج دارد بلا
می شود نادم ز کار گشت خود»
از زبان این و آن عادی شده
پرچم شمس در آن افراشتیم
دیده‌ایم و گفته‌ایم از هر کجا
«خطِ آمن»، شرکت «احسان مان»
از «دیالی» گفتنی‌ها گفته‌ایم
با تمام اقتدار و اختیار
عقدده‌های بستۀ دل را کُشود
کرده‌اند اینجا دو مطلب را بیان
در پذیرایی خدایی بیستیم !!
سوی ما عودت دهید با ابتکار»
مسئولان رفتند به‌ایم از کربلا
این معاون را به شام آورده‌ایم
داشته‌ایم ما گفتگوهای متین
«موسوی» آن سید روشن ضمیر
احترامش می کند او را به چون
تا علی زاده امین شام شد
گرچه کارش دو برابر می شود
موسوی گفت: «مرحبا بر این مدیر»
نکته ای دارم برای هر دو گوش
بیت آخر را نما اندک درنگ
خالقش او را نگه داری کند»

ناصر صبا

۱۳۸۹/۲/۲۱ لغایت ۱۳۸۹/۲/۲۵

عراق - سوریه

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.